

An Investigation into the Performance of the Cultural Diplomacy of the Islamic Culture and Communication Organization in Central Asia within the Framework of Cultural Diplomacy over Three Decades

Abolghasem Maarefvand¹, Mohammad Hassan ElahiManesh², Ali Mohseni Moshtaghin³

¹ PhD. Student, Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.
ghasem.maaref@gmail.com

² Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding author).
mhelahimanesh50@gmail.com

³ Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. dr.amohseni@gmail.com

Abstract

Cultural diplomacy, as one of the components of soft power, has gained an increasing standing in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. This type of diplomacy, particularly in regions such as Central Asia, which historically, linguistically, and civilizationally possess deep ties with the Iranian-Islamic culture, has provided a high capacity for developing the soft influence of the Islamic Republic of Iran. This research has been conducted with the aim of investigating the performance of the Islamic Culture and Communication Organization as the central institution of the country's cultural diplomacy in the Central Asia region. The main research question is to what extent this organization has been able to promote national interests, propagate the values of the Islamic Revolution, and strengthen the Iranian-Islamic identity in this region through cultural tools. The research method in this study is qualitative and descriptive-analytical; by utilizing documentary sources, official reports, field data, and interviews with certain thinkers and diplomats in the field of Central Asia, it has analyzed the policies, programs, and cultural outputs of this institution in Central Asian countries (Tajikistan, Uzbekistan, Turkmenistan, Kazakhstan, and Kyrgyzstan). The results indicate that the Islamic Culture and Communication Organization has engaged in diverse activities in fields such as the development of the Persian language, support for cultural elites, scientific exchange, holding cultural-religious occasions, and promoting the discourse of resistance and Islamic identity. However, challenges such as the internal political limitations of Central Asian countries, the cultural competition of regional powers, and weakness in performance evaluations have been influential regarding the effectiveness of this diplomacy. These results emphasize the necessity of redefining strategies, strengthening the capacity of cultural institutions, and utilizing regional capacities in line with increasing Iran's cultural influence in Central Asia.

Keywords: Cultural diplomacy, Islamic Culture and Communication Organization, Central Asia, Iranian-Islamic identity, Foreign relations.

Cite this article: Maarefvand, A., ElahiManesh, M.H. & Mohseni Moshtaghin, A. (2025). An Investigation into the Performance of the Cultural Diplomacy of the Islamic Culture and Communication Organization in Central Asia within the Framework of Cultural Diplomacy over Three Decades. *Iranian Political Research*, 12(3), p. 35-56.

Received: 2025/05/19 ; **Received in revised form:** 2025/07/09 ; **Accepted:** 2025/08/04 ; **Published online:** 2025/10/12

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



بررسی عملکرد دیپلماسی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در آسیای مرکزی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی طی سه دهه

ابوالقاسم معارف‌وند^۱، محمدحسن الهی‌منش^۲، علی محسنی مشتقین^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ghasem.maaref@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). mhelahimanesh50@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. dr.amohseni@gmail.com

چکیده

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی فزاینده یافته است. این نوع دیپلماسی به‌ویژه در مناطقی چون آسیای مرکزی، که از نظر تاریخی، زبانی و تمدنی دارای پیوندهای عمیقی با فرهنگ ایرانی-اسلامی هستند، ظرفیت بالایی برای توسعه نفوذ نرم جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است. این پژوهش با هدف بررسی عملکرد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌عنوان نهاد محوری دیپلماسی فرهنگی کشور، در منطقه آسیای مرکزی انجام شده است. سؤال اصلی تحقیق آن است که این سازمان تا چه اندازه توانسته است از طریق ابزارهای فرهنگی، به ارتقاء منافع ملی، ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی، و تقویت هویت ایرانی-اسلامی در این منطقه بپردازد. روش تحقیق در این مطالعه کیفی و توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از منابع اسنادی، گزارش‌های رسمی، و داده‌های میدانی و نیز مصاحبه با برخی از اندیشمندان و دیپلمات‌های حوزه آسیای مرکزی، به تحلیل سیاست‌ها، برنامه‌ها و خروجی‌های فرهنگی این نهاد در کشورهای آسیای مرکزی (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در زمینه‌هایی چون توسعه زبان فارسی، حمایت از نجبگان فرهنگی، تبادل علمی، برگزاری مناسبت‌های فرهنگی-دینی، و ترویج گفت‌وگو مقاومت و هویت اسلامی فعالیت‌های متنوعی داشته است. با این حال، چالش‌هایی مانند محدودیت‌های سیاسی داخلی کشورهای آسیای مرکزی، رقابت فرهنگی قدرت‌های منطقه‌ای و ضعف در ارزیابی عملکردها بر اثربخشی این دیپلماسی تأثیرگذار بوده‌اند. این نتایج بر لزوم بازتعریف استراتژی‌ها، تقویت ظرفیت نهادهای فرهنگی، و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای در راستای افزایش تأثیرگذاری فرهنگی ایران در آسیای مرکزی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، آسیای مرکزی، هویت ایرانی-

اسلامی، روابط خارجی.

استناد به این مقاله: معارف‌وند، ابوالقاسم؛ الهی‌منش، محمدحسن؛ محسنی مشتقین، علی (۱۴۰۴). بررسی عملکرد دیپلماسی فرهنگی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در آسیای مرکزی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی طی سه دهه. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۲(۳)،

صص ۳۵-۵۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نویسندگان دارندة حق مؤلف مقالۀ خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای مهم در توسعه روابط بین‌المللی و ارتقاء شناخت و تفاهم متقابل بین ملت‌ها اهمیت زیادی دارد. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز به عنوان یک نهاد دولتی در ایران، مسئولیت ترویج و تقویت هویت ایرانی-اسلامی و توسعه روابط فرهنگی با دیگر کشورها را برعهده دارد. در این تحقیق، مسئله اصلی، بررسی عملکرد دیپلماسی فرهنگی این سازمان در آسیای مرکزی است. اهمیت تحقیق در این است که می‌تواند به شناخت بهتر از تأثیرات و نتایج دیپلماسی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در آسیای مرکزی کمک کند. همچنین، این پژوهش می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای بهبود و تقویت دیپلماسی فرهنگی یاری رساند. ضرورت تحقیق نیز در این است که به بررسی و تحلیل فعالیت‌های فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی می‌کند. تدوین و تنظیم یک دیپلماسی فرهنگی کارآمد می‌تواند کشورها را در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود و دستیابی به منافع ملی، یاری کند. در جایی که راهکارهای سیاسی پاسخگو نیست و در جهان درهم پیچیده امروزی که هنوز بازیگران بین‌المللی قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی و دستیابی به آنها را مهم‌ترین راه تسلط و تأثیر بر نظام بین‌الملل می‌دانند، فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی به کمک سیاست خارجی می‌آید تا به عنوان یک سازوکار کارآمد و قدرتی نرم و با زبانی تلطیف شده، کشورها را به هدف‌های از پیش تعیین شده برساند؛ زیرا پایداری و تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی نسبت به سایر عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در سیاست خارجی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی) بیشتر و کارکرد آن مؤثرتر است. در دهه‌های اخیر، دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در سیاست خارجی کشورها به‌ویژه برای گسترش نفوذ فرهنگی و تقویت روابط بین‌المللی به کار گرفته شده است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نهاد مسئول در این حوزه، نقش مهمی در اجرای سیاست‌های فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی کشور ایفا کرده است. منطقه آسیای مرکزی، به دلیل تاریخ مشترک، پیوندهای فرهنگی و تمدنی با ایران، یکی از مناطق کلیدی در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ایران محسوب می‌شود. با این حال، بررسی و ارزیابی عملکرد این سازمان در این منطقه همچنان نیاز به تحلیل دقیق و جامع دارد.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی، هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات

بین‌المللی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز تعریف می‌شود؛ همچنین می‌توان دیپلماسی را دانش ارتباط میان سیاست‌مداران و سران کشورهای جهان دانست. واژه دیپلماسی از نمونه واژه‌هایی است که در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از معانی مختلفی برخوردار بوده و از دیدگاه‌ها و ابعاد مختلفی نیز تعریف شده است (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲، ص ۴-۶). دیپلماسی در دنیای امروز، دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه چهار نوع دیپلماسی از سوی کشورهای جهان به‌کار گرفته می‌شود: دیپلماسی پنهان، دیپلماسی آشکار، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی خط دو. دیپلماسی در شکل سنتی آن، محدود به دیپلماسی‌های آشکار و پنهان بود؛ ولی امروزه شاهد اعمال اشکال دیگر دیپلماسی هستیم که تحت تأثیر عواملی مانند بسط و گسترش روابط بین‌الملل، تحولات تکنولوژیک، همبستگی و وابستگی متقابل واحدهای سیاسی به یکدیگر، تعارضات ایدئولوژیک، توسعه وسایل ارتباط جمعی و افزایش نقش افکار عمومی است (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۱۱۷). دیپلماسی عمومی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که دولت‌ها برای ارتباط با مردم سایر کشورها انجام می‌دهند؛ نه صرفاً با دولت‌ها. اما در بحث دیپلماسی فرهنگی یا همان روابط فرهنگی، در واقع تمامی مبادلات فرهنگی و هنری شامل تولیدات فرهنگی و هنری را دربرمی‌گیرد که سالیان دور در میان اقوام گوناگون بشر مرسوم بوده است. با این حال، نکته محوری در دیپلماسی فرهنگی این است که دیپلماسی عمومی، شباهت‌های بسیار بیشتری به روابط فرهنگی دارد تا به تبلیغات و جنگ روانی و... روابط فرهنگی شامل مشارکت دادن بیشتر مخاطبان خارجی در عرصه اطلاع‌رسانی است؛ تا اینکه صرفاً ارسال پیام به آنها باشد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۱۱۷). در روابط فرهنگی، اصل بر ایجاد روابطی پایدار و متقابل است و منحصرراً به تبادلات عرصه دیپلماتیک محدود نمی‌شود. بنابراین، در دیپلماسی فرهنگی روند سیاست‌گذاری و اجرا عمدتاً توسط ارگان‌ها و مؤسسات حکومتی دنبال می‌شود؛ حال آنکه، روابط فرهنگی همزمان به‌وسیله دولت، اشخاص و مؤسسات خصوصی پیگیری می‌شود (Hunter, 2010).

۲-۲. آسیای مرکزی

آسیای مرکزی یک منطقه جغرافیایی و فرهنگی در میانه قاره آسیا است که عمدتاً شامل پنج جمهوری شوروی سابق یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان است. این منطقه دارای پیشینه تاریخی مشترک، ازجمله نفوذ امپراتوری‌های ایرانی، ترک و مغولی و موقعیت استراتژیک در مسیر جاده ابریشم بوده است. آسیای مرکزی به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود، پیوندی بین آسیای شرقی، خاورمیانه و روسیه برقرار می‌کند و از نظر قومیتی، زبانی و مذهبی نیز تنوع

زیادی دارد. اغلب کشورهای این منطقه با چالش‌هایی نظیر کم‌آبی، مناقشات مرزی، مسائل امنیتی و تحولات سیاسی پس از فروپاشی شوروی مواجه‌اند. در این پژوهش، منظور از آسیای مرکزی پنج کشور مستقل شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان است. این تعریف براساس تقسیم‌بندی سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و سازمان ملل متحد بوده و در تمامی تحلیل‌های آماری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پژوهش، صرفاً داده‌های مربوط به این پنج کشور بررسی خواهند شد.

۲-۲-۱. اهمیت آسیای مرکزی

منطقه آسیای مرکزی به دلایل متعددی از اهمیت استراتژیک، ژئواقتصادی و ژئوپلیتیکی برخوردار است. این منطقه که در قلب قاره آسیا و در میان قدرت‌های بزرگی مانند روسیه، چین، ایران و افغانستان قرار دارد، نقطه اتصال شرق و غرب و محل گذر مسیرهای انرژی، ترانزیت کالا و جاده‌های استراتژیک است. آسیای مرکزی همچنین، دارای منابع طبیعی فراوانی از جمله نفت، گاز طبیعی، اورانیوم و مواد معدنی کمیاب است که آن را به یکی از مناطق کلیدی در رقابت قدرت‌های جهانی بدل کرده است (Laruelle, 2015). از منظر امنیتی، آسیای مرکزی در مجاورت مناطق بحرانی نظیر افغانستان و غرب چین قرار دارد و همواره در معرض تهدیداتی چون افراط‌گرایی مذهبی، قاچاق مواد مخدر، بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های قومی بوده است. به همین دلیل، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر روسیه، چین، آمریکا، اتحادیه اروپا و ترکیه در حال رقابت برای افزایش نفوذ خود در این منطقه‌اند (Cooley, 2012). علاوه بر این، آسیای مرکزی از نظر فرهنگی و تمدنی نیز اهمیت زیادی دارد. این منطقه محل تلاقی تمدن‌های ایرانی، ترک، مغول و اسلامی بوده و نقش مهمی در تاریخ جاده ابریشم، تبادلات فرهنگی و گسترش اسلام ایفا کرده است (Frank, 1992).

۲-۳. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، یک نهاد دولتی در جمهوری اسلامی ایران است که مسئولیت اجرای سیاست‌های فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی کشور را در خارج از کشور برعهده دارد. این سازمان با هدف ترویج فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی و تقویت ارتباطات فرهنگی بین‌المللی تأسیس شده است. مأموریت‌های اصلی این سازمان شامل موارد زیر است: ترویج و تقویت هویت ایرانی-اسلامی، توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی (موسوی و احمدی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۸-۱۱۰)، ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی (بهرامی و کریمی، ۱۴۰۲، ص ۶۲-۴۵)، توسعه گردشگری مذهبی و توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۹).

۱-۳-۲. اهداف و مأموریت‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در آسیای مرکزی

دیپلماسی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در آسیای مرکزی به دنبال تحقق اهداف و مأموریت‌های مختلفی است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱-۳-۲. ترویج هویت ایرانی-اسلامی

یکی از اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی سازمان، ترویج و تقویت هویت ایرانی-اسلامی در کشورهای آسیای مرکزی است. این هدف از طریق برگزاری نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی و هنری محقق می‌شود. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر پیوند تاریخی، فرهنگی و دینی خود با بسیاری از ملت‌ها، به‌ویژه در منطقه‌هایی چون آسیای مرکزی، قفقاز و جهان اسلام، از هویت ایرانی-اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان دیپلماسی فرهنگی بهره می‌گیرد (Hosseini & Mohammadi, 2023, p. 55-72). در این چارچوب، هویت ایرانی-اسلامی با تأکید بر گفت‌وگو، عقل‌گرایی، عدالت، معنویت و صلح‌طلبی، قابلیت همگرایی فرهنگی با بسیاری از جوامع اسلامی و آسیایی را دارد. بهره‌گیری هوشمندانه از این مؤلفه می‌تواند موجب افزایش قدرت نرم ایران در عرصه بین‌الملل شود (Ramezani, 2022, p. 25-41).

۲-۳-۱-۲. تقویت روابط فرهنگی و بین‌المللی

یکی از مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، تقویت روابط فرهنگی با ملت‌ها و جوامع مختلف در جهان بوده است. این راهبرد با هدف توسعه قدرت نرم، بهبود تصویر بین‌المللی ایران و افزایش تعاملات فرهنگی و تمدنی طراحی شده است (Ghasemi & Yarahmadi, 2022, p. 45-68). در این راستا، ایران با استفاده از ابزارهایی همچون رایزنی‌های فرهنگی، برگزاری هفته‌های فرهنگی، اعزام اساتید و هنرمندان، تبادل دانشجو و همکاری‌های علمی و رسانه‌ای تلاش کرده است تا پیوندهای خود را با کشورهایی دارای اشتراکات دینی، فرهنگی یا زبانی گسترش دهد (ICRO, 2024). تأکید ایران بر گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و بین‌الادیانی نیز نقشی مهم در تلطیف فضای بین‌المللی و مقابله با ایران‌هراسی رسانه‌ای داشته است (Karimi, 2023, p. 110-125). با ایجاد شبکه‌های ارتباطی فرهنگی، به‌ویژه در کشورهای همسایه و جهان اسلام، دیپلماسی فرهنگی ایران توانسته است جایگاه مؤثری در روابط چندجانبه و منطقه‌ای پیدا کند. در همین راستا، توسعه روابط فرهنگی و هنری بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی از مأموریت‌های مهم دیپلماسی فرهنگی سازمان است. این روابط می‌تواند به تقویت تعاملات فرهنگی و افزایش شناخت و تفاهم متقابل بین ملت‌ها کمک کند.

۳-۱-۲. ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، حامل پیام‌ها و ارزش‌هایی بوده که ریشه در آرمان‌های انقلاب دارد؛ ارزش‌هایی چون استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان، معنویت‌گرایی و وحدت امت اسلامی. جمهوری اسلامی تلاش کرده این ارزش‌ها را در عرصه روابط فرهنگی به سایر ملت‌ها، به‌ویژه جوامع مسلمان، منتقل نماید (Sadeghi & Moradi, 2023, p. 67-83). نهادهایی نظیر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نقش کلیدی در تبیین و ترویج این مفاهیم در قالب‌های نرم ایفا کرده‌اند و این نوع دیپلماسی، نه تنها در پی افزایش نفوذ فرهنگی ایران است؛ بلکه هدفی راهبردی در شکل‌دهی به ائتلاف فرهنگی با جوامع مستقل از نظام سلطه جهانی دارد (Yazdani, 2022, p. 90-108). بهره‌گیری از این ابزارها، موجب تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین شده است. بنابراین، یکی از مأموریت‌های دیپلماسی فرهنگی، ترویج و انتشار ارزش‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران در دیگر کشورها است. این هدف از طریق برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری محقق می‌شود.

۴-۱-۲. توسعه گردشگری مذهبی

جمهوری اسلامی ایران در راستای ارتقای قدرت نرم خود و گسترش روابط فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی، از گردشگری مذهبی و تاریخی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر دیپلماسی فرهنگی استفاده کرده است. با توجه به اشتراکات فرهنگی، دینی و تمدنی میان ایران و ملت‌های این منطقه، تقویت گردشگری با رویکرد فرهنگی-معنوی می‌تواند به تعمیق روابط پایدار میان ملت‌ها کمک کند (Rahmani & Yousefi, 2023). ایران از طریق برنامه‌هایی مانند برگزاری تورهای زیارتی مشترک، دعوت از نخبگان فرهنگی و دینی آسیای مرکزی به اماکن مذهبی مانند مشهد و قم و همچنین، معرفی اماکن تاریخی مرتبط با اسلام ایرانی در رسانه‌های منطقه‌ای، تلاش کرده است تا پیوندهای فرهنگی را تقویت کند (ICRO, 2024). افزون‌بر این، همکاری با نهادهای گردشگری در کشورهای آسیای مرکزی و ایجاد مسیرهای فرهنگی نظیر «جاده ابریشم معنوی» نیز در دستور کار نهادهای مرتبط با دیپلماسی فرهنگی ایران قرار داشته است. این راهبرد، علاوه بر افزایش شناخت متقابل، ظرفیت‌های اقتصادی و توریستی جدیدی نیز ایجاد می‌کند (Kazemi, 2022). در همین راستا، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به توسعه گردشگری مذهبی و جذب گردشگران خارجی به اماکن مقدس و زیارتی ایران می‌پردازد. این امر می‌تواند به تقویت اقتصاد گردشگری و ارتقاء تصویر مثبت از ایران کمک کند.

۵-۱-۳. توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران در راستای گسترش نفوذ فرهنگی و علمی خود در منطقه آسیای مرکزی، تلاش کرده است از دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری برای توسعه همکاری‌های پایدار با کشورهای منطقه استفاده کند. اشتراکات تاریخی، دینی، زبانی و تمدنی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی، بستر مساعدی برای همکاری‌های علمی و فرهنگی فراهم کرده است (Shariati & Maleki, 2022). ایران در دهه‌های اخیر، اقدام به برپایی کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی، برگزاری دوره‌های آموزش اسلامی برای دانشجویان آسیای مرکزی و انعقاد تفاهم‌نامه‌های علمی بین دانشگاه‌های ایرانی و دانشگاه‌های این کشورها کرده است. همچنین، نهادهایی مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دانشگاه المصطفی نقش فعالی در این زمینه ایفا کرده‌اند (ICRO, 2024). این همکاری‌ها افزون‌بر انتقال دانش و تجربه علمی، موجب تقویت تصویر فرهنگی ایران و ترویج هویت ایرانی-اسلامی در منطقه شده و به افزایش درک متقابل میان نخبگان فرهنگی دو طرف کمک کرده است (Tavakol & Yusupov, 2021). همچنین، این تعاملات می‌توانند زمینه‌ساز همگرایی فرهنگی در حوزه تمدنی مشترک ایران و آسیای مرکزی باشند. بر همین اساس، توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی با دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و نهادهای فرهنگی در دیگر کشورها از اهداف دیپلماسی فرهنگی سازمان است. این همکاری‌ها می‌تواند به تبادل دانش و تجربه و تقویت ارتباطات علمی و فرهنگی کمک کند.

۳. پیشینه تحقیق

جعفری و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی فرهنگی قدرت‌های رقیب ایران در آسیای مرکزی و چالش‌های پیش رو»، نشان دادند که توجه به پیشینه اشتراکات تاریخی و فرهنگی ازجمله زبان، آداب و رسوم، دیپلماسی علمی و فعالیت‌های نهادهای فرهنگی می‌تواند موتور محرکه ارتقای منافع ملی متقابل میان این کشورها باشد. همچنین، دیپلماسی فرهنگی ایران از دو ناحیه ضعف عملکردی تشکیلات دیپلماسی فرهنگی ایران و فعالیت‌های فرهنگی برخی از قدرت‌های رقیب ازجمله روسیه، ترکیه و اتحادیه اروپا مورد تهدید قرار گرفته است؛ که ضمن نفوذ فرهنگی، پیوندهای فرهنگی ایران با این کشورها را در حوزه‌های زبان، آداب و رسوم، تاریخ و هویت تحت الشعاع قرار داده است. کولایی و زنگنه (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی با عنوان همگرایی فرهنگی و اجتماعی در اوراسیای مرکزی» تاکید دارند که شوق اولیه پس از فروپاشی شوروی در میان کشورهای استقلال‌یافته برای پیوند با غرب، به مرور کاهش یافت و قدرت رهبری روسیه در منطقه نیز عاملی بود که استیلای فرهنگی روسیه در منطقه را فراهم ساخته و نقش رهبری را در همگرایی منطقه‌ای با این

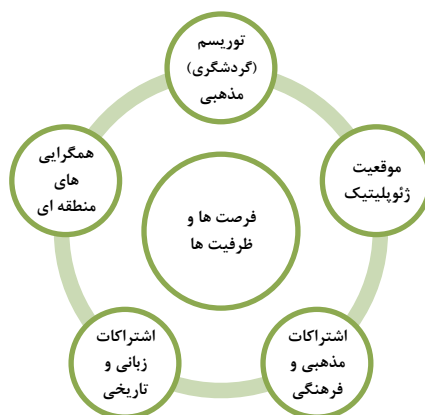
کشورها برای آن به وجود آورده است. همچنین، استیلای فرهنگی روسیه در این منطقه با استفاده از زبان روسی، آموزش، مذهب و رسانه صورت گرفته است. بصیری و سلورزی زاده (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «مبانی تحلیل کارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی؛ مطالعه موردی ترکمنستان و تاجیکستان»، معتقدند که راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجموعه کشورهای آسیای مرکزی (ترکمنستان و تاجیکستان) در آغاز استقلال این جمهوری‌ها سلطه و نفوذ فرهنگی را در ذهن حاکمان این دیار پررنگ کرده بود؛ اما با گذر زمان، دوستانه بودن دیپلماسی فرهنگی «تمدن‌محور» ایران برای مردم و دولت‌مردان این جمهوری‌ها آشکار گردید و به آرامی در حال توسعه می‌باشد. انوشه و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «نقش دیپلماسی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دریافتند که فعالیتهای فرهنگی این سازمان خصوصاً در کشورهایی که پیروان مذهب تشیع در آن حضور پررنگ دارد، مؤثرتر واقع شده است. از عوامل مؤثر و موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اشتراکات فرهنگی و دینی ما با اغلب کشورهای منطقه می‌باشد؛ ولی در کشورهای اروپایی، این سازمان تلاش می‌کند با گسترش زبان و ادبیات فارسی از طریق ایجاد کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های معتبر و برگزاری نمایشگاه‌ها، آثار باستانی و فرهنگ اقوام ایرانی و برپایی همایش‌ها و کنفرانس‌های بزرگداشت شاعران و اندیشمندان ایرانی به اهداف تعیین‌شده خود دست پیدا کند. لذا، به نظر می‌رسد توفیقات دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای غربی، خصوصاً اروپای غربی و آمریکا با سلاح ایدئولوژی شیعه کمتر بوده است. جعفری و براریان (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، پس از بررسی شرایط فرهنگی حاکم بر این کشورها به شناخت و بررسی اولویت‌ها، جهت‌گیری‌ها و نیز رویکردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به سوابق فرهنگی و تاریخی آن با واحدهای نوپدید در این منطقه و تبیین آسیب‌هایی که متوجه ایران است، پرداخته‌اند. اکرمی‌نیا (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴»، با بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی سیاست خارجی، نشان داد که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه آسیای جنوب غربی برای دستیابی به چشم‌انداز ترسیم‌شده می‌بایست نسبت به تدوین و اجرای راهبردهای مناسب و اثربخش در سیاست خارجی اقدام نماید. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و چالش‌های پیش رو، آثار اندکی در دسترس می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده علاوه بر مطالعه و بررسی

همزمان ابعاد مهم و چالش‌های گوناگون دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی، موضوع به‌طور گسترده و بر مبنای دیپلماسی فرهنگی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. بنابراین، از این منظر، پژوهش از نوآوری برخوردار است و سعی دارد علاوه بر تبیین پتانسیل‌های فرهنگی ایران، چالش‌های داخلی و خارجی را به‌طور تخصصی مورد بررسی قرار دهد.

۴. یافته‌ها

۴-۱. عوامل تأثیرگذار دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی

از نخستین مسائل مربوط به تحقیق حاضر، مشخص کردن مصادیق فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در آسیای مرکزی و تعیین نسبت آنها با جمهوری اسلامی ایران است. به بیان دیگر، پیش از هر چیزی می‌بایست روشن شود که چه ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی در آسیای مرکزی برای جمهوری اسلامی ایران در راستای دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه مهیا می‌باشد؛ تا براساس آن، برنامه‌ریزی‌ها و پیشنهاد‌های راهبردی را ارائه نمود. چراکه بی‌توجهی به فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در آسیای مرکزی و همچنین، تعیین نسبت آنان با جمهوری اسلامی ایران، ناگزیر، دیپلماسی فرهنگی ایران را در منطقه با کاهش دامنه و عمق اثرگذاری و هدررفت منابع آن مواجه خواهد ساخت.



۴-۱-۱. موقعیت ژئوپلیتیک

آسیای مرکزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرسیستم‌های منطقه‌ای ایران به‌علت برخورداری از ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خاص، همواره در کانون توجه قدرت‌های بزرگ و کشورهای همسایه قرار داشته است (حافظ‌نیا، شمس دولت‌آبادی و افشردی، ۱۳۸۶، صص ۷۸-۱۱۹). در این میان، ایران به‌علت همجواری سرزمینی، برخورداری از پیوندهای قومی،

مذهبی، زبانی و تاریخی با مردم این منطقه و همچنین، با برخورداری از انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی از آغاز فروپاشی شوروی به دنبال نقش‌آفرینی در این منطقه بوده و از این رهگذر، منافع خود را طی دوره‌های قبل، براساس دورویکرد ایدئولوژیک و فرهنگی، دنبال کرده است (واعظی، ۱۳۹۱/۷/۱۸).

۴-۱-۲. اشتراکات مذهبی و فرهنگی

هرچند اکثریت مسلمانان منطقه آسیای مرکزی را اهل سنت تشکیل می‌دهند، اما تحقیقات مختلف در حوزه آسیای مرکزی، نشان از اشتراکات فراوان عقیدتی، رفتاری و فرهنگی آنها با معارف اهل بیت (ع) دارد (اشرافی، ۱۳۹۵، ص ۱۲)؛ گویی همانند شیعیان ملت‌های منطقه آسیای مرکزی از پیروان اهل بیت (ع) می‌باشند. این امر، بیشتر در تعاملات فرهنگی و هویتی جامعه آسیای مرکزی، نمود یافته است؛ ازجمله در برگزاری مراسم‌های دینی، زیارت اهل قبور، استفاده از اسامی خاندان عصمت و طهارت برای نام‌گذاری فرزندان و... با این حال، شیعه نیز به‌نوعی در میان ملت آسیای مرکزی، جمعیت قابل‌توجهی را به خود اختصاص داده است (بهمن، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۶۹). به‌رغم اقدامات ضددینی شوروی، مردم جمهوری‌های آسیای مرکزی، دین خود را فراموش نکرده و به روش‌های مختلف ازجمله در چارچوب سنت‌های قومی و محلی، آن را نگاه داشتند (جبجاری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱-۱۰۲).

۴-۱-۳. همگرایی‌های منطقه‌ای

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، رقابت قدرت‌های بزرگ ازجمله آمریکا، چین و روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار مانند جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، منطقه آسیای مرکزی را به میدان بزرگ رقابت‌های اقتصادی-امنیتی و فرهنگی با رویکرد همگرایی با کشورهای منطقه تبدیل نموده است (شبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱-۱۱۹). این فرآیند ادغام آسیای مرکزی، بخشی از روند بزرگ‌تر ادغام فضای اقتصادی اوراسیا بوده است. در این معنا، یکپارچگی اقتصادی آسیای مرکزی یک واقعیت است؛ اما در این فرآیند، این شکاف‌های جدی وجود دارد، ازجمله: تلاش برخی از کشورهای منطقه به تجارت درون منطقه‌ای به‌ویژه توسط ترکمنستان و ازبکستان؛ بسته شدن مرزها، همکاری نداشتن در زمینه‌های انرژی و آب، حکومت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای ضعیف (پوراحمدی، میبدی و بهرامی، ۱۳۹۷، ص ۶۰۹-۶۲۹).

۴-۱-۴. اشتراکات زبانی و تاریخی

بسیاری از مردم غیر آسیای مرکزی در سال‌های آغازین استقلال تاجیکستان، به‌دلایلی ازجمله برگزیده شدن زبان تاجیکی (سخن گفتن به فارسی و نوشتن با خط روسی) به عنوان زبان رسمی،

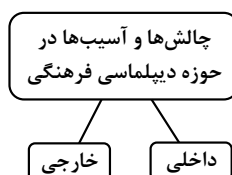
ناخشنودی از هنجارهای زندگی و هراس از خشونت سیاسی، از این کشور مهاجرت کردند. زبان تاجیکی، که پیوند بسیار نزدیکی با فارسی دارد، گسترده‌ترین زبانی است که به آن سخن می‌گویند. روستانشینان درک اندکی از زبان رسمی کشور دارند. اهالی منطقه کوهستانی پامیر، بسیاری از ویژگی‌های زبان ایرانی باستان را نگه داشته‌اند. استفاده از زبان روسی در دادوستدهای بازرگانی و در کارهای دولتی ترجیح داده می‌شود و زبان ازبکی در منطقه خوجند کاربرد گسترده‌ای دارد (گلی زواره، ۱۳۷۶، ص ۲۱-۴۲). ایران به دلیل مجاورت با کشورهای آسیای میانه و اشتراکات قومی، با مردم این منطقه ارتباط تنگاتنگی دارد. جمهوری اسلامی پس از تلاش‌های اولیه برای ایجاد روابط استراتژیک و تحکیم بنیادهای حضور خود در منطقه از زمان فروپاشی شوروی تا حد زیادی بر منافع اقتصادی تمرکز کرده؛ اگرچه منافع فرهنگی و سیاسی هم مدنظر بوده است. ایران در سال‌های اولیه استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، تأمین اهداف و منافع ایدئولوژیک در این منطقه را مدنظر داشت؛ اما درگذر زمان به این واقعیت رسید که باید به اهداف و منافع دیگری هم توجه کند. لذا، تا حدودی سیاست عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه را در این منطقه در پیش گرفت.^۱

۵-۱-۴. توریسم (گردشگری) مذهبی

توریسم یا گردشگری، یکی از مهم‌ترین صنایع تأثیرگذار در اقتصاد هر کشوری است که روزبه‌روز پیشرفت و رشد بیشتری می‌کند و در دنیای مدرن امروزی بسیار مورد توجه قرار دارد (آقاجانی و فراهانی‌فرد، ۱۳۹۴، ص ۶۶-۴۳).

۲-۴. چالش‌ها و آسیب‌ها

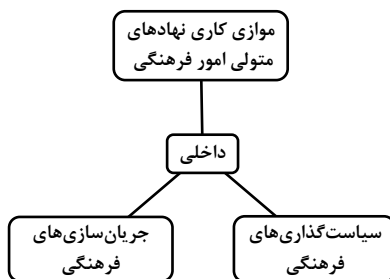
در حوزه دیپلماسی فرهنگی، چالش‌های زیادی وجود دارد؛ این موضوعات چالشی می‌توانند در شرایط مختلف، اثرات متفاوتی در صحنه بین‌الملل برجای بگذارند. از این‌رو، برخورد دولت‌ها و جوامع با این چالش‌ها بسیار تعیین‌کننده است. نحوه مواجهه با این چالش‌ها، همان سیاست و خط مشی‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی؛ و نتایج اجرایی این سیاست‌ها، همان عملکرد کشورها در دیپلماسی فرهنگی می‌باشد (رستگاری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲).



۱. گزارش نماینده جامعه‌المصطفی (ص) در جمهوری تاجیکستان ۱۳۹۳.

در تحقیق حاضر، این چالش‌ها در دو بخش چالش‌های داخلی و چالش‌های خارجی به شرح زیر تبیین می‌شود:

۴-۲-۱. داخلی



۴-۲-۱-۱. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی

در ارتباط با الزامات سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید مورد توجه قرار بگیرد، استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای فائق‌آمدن بر تهدیدات است (مقتدایی و ازغندی، ۱۳۹۵، ص ۷-۲۶). هرچند که به‌جهت ضرورت‌های مدیریتی، مدیریت عرصه فرهنگی کشور نیز توسط دولت صورت می‌گیرد؛ ولی مسئولان باید دقت لازم را داشته باشند که فرهنگ، یک مقوله فنی، دقیق، کارشناسی‌شده و مجزّا می‌باشد که به بحث‌ها و جلسات دقیق کارشناسی‌شده و فنی نیاز دارد و نباید اجازه داد که بحث‌ها و حواشی سیاسی و اجتماعی، فرهنگ یک جامعه را دستخوش تغییرات و تحولات هیجانی بکند. از دیگر چالش‌های سیاسی که تأثیرات قابل‌توجهی بر مؤلفه‌های فرهنگی دارد، مشخص نبودن سیاست‌های فرهنگی یک جامعه می‌باشد (خادم، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

۴-۲-۱-۲. جریان‌سازی‌های فرهنگی

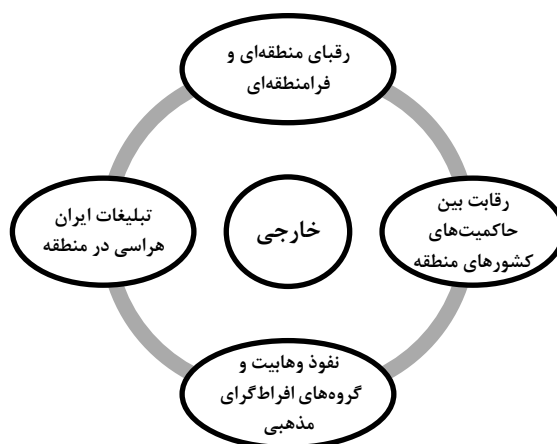
هدف جریان‌سازی‌های فرهنگی بایستی معطوف به فراهم آوردن شرایط مناسب برای شکوفایی استعداد انسان‌ها و اشاعه خلاقیت و نوآوری باشد و طبعاً چنین امری، بدون مشارکت مردم امکان‌ناپذیر است و این خود در گرو ارتباط متقابل میان ملت و دولت است. دولت زمانی می‌تواند در امور فرهنگی کارآمد باشد که فضایی فراهم آورد تا در آن، شهروندان احساس قدرت کنند و باید وزن مسئولیت دولت به‌نفع افزایش نهادهای غیردولتی کاهش یابد. دولت می‌تواند با فراهم آوردن چارچوب حقوقی، سیستم نظارتی و ارزیابی، بستر مناسب را برای فعالیت‌های فرهنگی فراهم و از نهادهای مردمی و غیردولتی حمایت کند. دولت باید ضمن جریان‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های

هدایت‌کننده و تشویقی در امور فرهنگی، میدان را برای اجرای برنامه‌های فرهنگی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه واگذار نماید؛ نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، حوزه‌های علمیه و انجمن‌های علمی (ناظمی اردکانی و کشاورز، ۱۳۸۵).

۳-۲-۴. موازی‌کاری نهادهای متولی امور فرهنگی در خارج از کشور

از نظر فرهنگی، کشورهایی مانند ترکیه و عربستان به‌عنوان رقبای اصلی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های زیادی را در آسیای مرکزی انجام می‌دهند؛ این امر، ضرورت توجه به نظم و داشتن اهداف معین و مسیری مشخص‌شده برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه آسیای مرکزی نشان می‌دهد. لذا، موازی‌کاری نهادهای متولی امور فرهنگی در خارج از کشور، خصوصاً در آسیای مرکزی، یکی از چالش‌های بسیار مهم در حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه می‌باشد. امروزه بیش از ده‌ها دستگاه و نهاد دولتی و عمومی در عرصه فرهنگی، فعالیت‌های مجزا، پراکنده و مشابه دارند؛ که در نوع خود، یک آسیب جدی به‌شمار می‌رود.

۲-۲-۴. خارجی



۱-۲-۲-۴. رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای

آمریکا، روسیه، چین، آلمان و ژاپن کشورهایی هستند که توانایی اعمال نفوذ در خارج از مرزهای خود را دارا می‌باشند و می‌توانند نقش مهمی در صحنه سیاسی اوراسیا ایفا کنند و وضعیت ژئوپلیتیکی را تغییر دهند. آلمان و ژاپن، علاوه بر تأثیرگذاری اقتصادی، می‌توانند نقش مهم‌تری در تحولات و رویدادهای منطقه داشته باشند؛ اما تاکنون، تمایلی به ایفای نقش برجسته در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از خود نشان نداده‌اند. در خصوص رقابت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نیز باید

بیان داشت که در حال حاضر، تلاش و تبلیغات خیلی وسیعی صورت می‌گیرد، مبنی بر اینکه انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای مربوط به غیر از اهل سنت و محدود به حوزه جغرافیایی ایران است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، یک انرژی انقلابی متأثر از اسلام، در جهان اسلامی ستی آزاد شد. این انرژی دو ویژگی عمده داشت، یکی اینکه، به شدت ضدآمریکایی و ضدسلطه بود و ویژگی دوم اینکه، به شدت علیه تفکرات و جریان‌های منفعلانه و وابسته و افراطی که تحت نام اسلام در جهان اسلام فعالیت داشتند، بود. برای ایجاد شکاف و فاصله بین ایران و جهان اسلام سنی خصوصاً در آسیای مرکزی، یک سری تحولات را علیه ایران به راه انداختند، از جمله آن جنگ هشت ساله ایران و عراق بود و تبلیغات زیادی را از طریق بعضی علمای وابسته شروع کردند، مبنی بر اینکه انقلاب اسلامی ایران به شیعه مربوط می‌شود (رستگاری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹).

۲-۲-۴. رقابت بین حاکمیت‌های کشورهای منطقه

در خصوص رقابت رهبران کشورهای آسیای مرکزی باید بیان داشت که به طور نمونه، ازبکستان در تلاش برای نیل به موقعیت قدرت برتر در آسیای مرکزی، از موقعیت جغرافیایی خود سود می‌برد. مهم‌ترین رقیب ازبکستان در زمینه اقتصاد منطقه‌ای و قدرت سیاسی، قزاقستان است. هر دو کشور، آشکارا به دنبال هدفشان، یعنی ایجاد یک خانه جدید و مشترک به نام آسیای مرکزی هستند و هر دو برای رهبری اقتصادی در منطقه رقابت می‌کنند (زمانی محبوب، ۱۳۹۴، ص ۴۱-۶۸).

۲-۲-۳. تبلیغات ایران‌هراسی در منطقه

با توجه به مخالفت انقلاب اسلامی ایران با سلطه‌گری غرب به‌ویژه آمریکا و از دست رفتن منافع این کشور در ایران پس از انقلاب، دیپلماسی فرهنگی غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران، براساس عناد با ایران اسلامی و بر پایه ایران‌هراسی طراحی شد و تاکنون، به‌گونه‌ای عمل کرده که غالب مردم جهان، ولو با نگاه‌های متفاوت، ایران را نماد مقاومت در برابر جهان غرب می‌دانند. یعنی هرجایی که از انقلاب اسلامی ایران صحبت می‌شود، قطعاً نماد و شخصیت‌های ایرانی را در ذهن خود تجسم می‌کنند و در بسیاری از نشست‌ها و سخنرانی‌های خود، نخبگان و علمای ایران را مطرح می‌کنند (رستگاری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵-۱۲۶).

۲-۲-۴. نفوذ وهابیت و گروه‌های افراط‌گرای مذهبی

فعالیت‌های امروز مسلمانان در آسیای مرکزی تداوم تعارض و تقابل آنها با همسایگان غیرمسلمان آنها بوده و امروزه با رواج گفتمان ضدتروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، فعالیت آنها هم در مقوله بنیادگرایی و رادیکالیسم دسته‌بندی شده است که شباهت زیادی نیز با افراط‌گرایی مذهبی در آسیای

غربی دارد. ملت‌ها و قومیت‌های متنوعی که در آسیای مرکزی زندگی می‌کنند، ویژگی مشترکی دارند و آن هم دین اسلام می‌باشد؛ در این به هم آمیختگی اقوام در کشورهای آسیای مرکزی که مشکل دولت-ملت‌سازی داشته‌اند، اسلام می‌توانست اضافه شود و به‌طور تناقض‌آمیزی در بین برخی اقوام، واگرایی و در میان برخی دیگر، همگرایی را گسترش دهد. در همین راستا، وضعیت افغانستان و بحران‌های چندین ساله در آن کشور که مرز مشترکی با این منطقه داشت، خطر این مسئله را دوچندان می‌کرد (حسینی مرام، ۱۳۹۷). لذا، یک نوع اجماع در نگرش نخبگان سیاسی و فکری منطقه آسیای مرکزی و حتی کشورهای غربی ایجاد کرد که اسلام‌گرایی به شکل افراط‌گرایی آن در این منطقه به‌طور کاملاً خطرناکی در حال رشد است؛ اما باید توجه داشت که در بیشتر منابع، چه رسمی و چه غیررسمی، خطر افراط‌گرایی مذهبی بیش از آنچه که واقعیت داشته باشد، نشان داده که ناشی از اوج گفتمان تروریسم و ضدتروریسم در سال‌های اخیر می‌باشد. آنچه باید مد نظر قرار گیرد، همان موضوع فخر ملت‌ها است؛ یعنی ملت‌های این منطقه در پی احیاء و تثبیت هویت اسلامی خود به رویارویی با غیریت‌های تمامیت‌خواهی مثل کمونیسم و سوسیالیسم پرداختند که در سال‌های اخیر به‌خاطر پیدایش زمینه مناسب در کسوت‌های اسلام سیاسی نمود چشمگیری داشته است (پاک‌آیین، ۱۳۹۷).

۳-۴. تحلیل دیپلماسی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت ترویج و تقویت هویت ایرانی-اسلامی و توسعه روابط فرهنگی با دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای آسیای مرکزی را برعهده دارد. این سازمان با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی به ترویج ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی ایرانی-اسلامی در کشورهای آسیای مرکزی پرداخته و تلاش کرده تا از طریق برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، هویت فرهنگی مشترک بین ایران و این کشورها را تقویت کند.

۱-۳-۴. تقویت روابط فرهنگی و بین‌المللی

با توجه به اهمیت فزاینده دیپلماسی فرهنگی در روابط بین‌الملل، کشورها باید استراتژی‌های منسجم و بلندمدتی را برای بهره‌برداری مؤثر از این ابزار، تدوین و اجرا کنند. این امر شامل

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی، حمایت از برنامه‌های تبادل آموزشی و هنری و ترویج زبان و فرهنگ ملی در سطح بین‌المللی است (Mbira, 2024, p. 45-60). بنابراین، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به تقویت روابط دوستانه و همکاری‌های فرهنگی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی کمک کند.

۲-۳-۴. ارتقاء تصویر مثبت از ایران

دیپلماسی فرهنگی ایران، با تأکید بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی، هنرهای سنتی مانند خوشنویسی، موسیقی اصیل، شعر فارسی و میراث فرهنگی غنی، سعی در معرفی فرهنگی پویا و متنوع دارد (Zare & Ghasemi, 2024, p. 134-150).

۳-۳-۴. افزایش درک متقابل

مطالعات نشان داده‌اند که برنامه‌های تبادل فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی هنر و پروژه‌های مشترک فرهنگی می‌توانند به ایجاد فرصت‌های تعاملی کمک کنند که از طریق آنها افراد و جوامع با ارزش‌ها، باورها و سنت‌های یکدیگر آشنا می‌شوند و به نوعی «دیگرسازی» مثبت دست می‌یابند (Hassan & Patel, 2023, p. 89-105). این فرآیند سبب کاهش کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها شده و زمینه را برای همکاری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌کند (Nguyen, 2025, p. 22-38).

۴-۳-۴. ترویج ارزش‌ها و هویت فرهنگی

ترویج ارزش‌ها و هویت فرهنگی یکی از ارکان اساسی دیپلماسی فرهنگی است که به کشورها امکان می‌دهد با نمایش اصالت و فرهنگ خود، جایگاهی متمایز و معتبر در عرصه بین‌المللی کسب کنند (Al-Khatib & Hassan, 2024, p. 112-130). دیپلماسی فرهنگی با استفاده از برنامه‌های متنوعی مانند جشنواره‌های فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری، تبادل دانشجویان و فعالیت‌های آموزشی، بستری برای معرفی نمادها، باورها و ارزش‌های فرهنگی فراهم می‌آورد که موجب افزایش شناخت و احترام متقابل میان فرهنگ‌ها می‌شود (Kim & Park, 2023, p. 345-360). این فرآیند به‌ویژه در مواجهه با جهانی‌شدن و جریان‌های همگراکننده، فرصتی برای برجسته‌سازی هویت‌های منحصر به فرد ملی است.

۵. نتیجه‌گیری

با استناد به یافته‌های این پژوهش، می‌توان ادعا کرد که دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان محوری اساسی در تقریب گفتمان‌های بین‌المللی و توسعه روابط چندجانبه، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی ایفا کرده است. سازمان فرهنگ و ارتباطات

اسلامی، با بهره‌گیری از اشتراکات تاریخی، زبانی و فرهنگی ایران با کشورهای این منطقه، توانسته است در چارچوب راهبردهای نوین دیپلماسی عمومی، به اهداف کلان خود در سه حوزه هویت فرهنگی، گردشگری مذهبی و تعاملات علمی- فرهنگی دست یابد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌هایی چون گسترش زبان فارسی از طریق تأسیس کرسی‌های دانشگاهی، برگزاری جشنواره‌های هنری و نمایشگاه‌های مشترک و نیز تبادلات دانشجویی و پژوهشی، نه تنها به تحکیم پیوندهای دیرینه انجامیده؛ بلکه به عنوان ابزاری اثرگذار در افزایش سرمایه نمادین و نفوذ نرم ایران عمل کرده‌اند. این اقدامات در بستری از اعتمادسازی فرهنگی، تصویری مثبت و چندبعدی از جمهوری اسلامی ایران در اذهان نخبگان و عموم مردم منطقه ارائه داده و زمینه‌ساز تقویت روابط در سطوح دوجانبه و چندجانبه شده است. با این حال، ارزیابی انتقادی عملکرد این سازمان، بیانگر آن است که علی‌رغم دستاوردهای چشمگیر، چالش‌های ساختاری از قبیل محدودیت منابع مالی، ضعف در به‌کارگیری فناوری‌های ارتباطی نوین و همچنین رقابت با نهادهای فرهنگی کشورهای رقیب در آسیای مرکزی، از میزان اثرگذاری و عمق‌بخشی به برنامه‌ها کاسته است.

در نتیجه، به منظور ارتقای جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی، پیشنهاد می‌شود:

- تدوین راهبرد دیپلماسی فرهنگی چندلایه با تأکید بر مخاطبان متنوع (دولتی، غیردولتی و مردمی).

- به‌کارگیری فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای گسترش دامنه تأثیر برنامه‌ها.

- توسعه همکاری‌های علمی-پژوهشی مشترک و حمایت از برگزاری همایش‌های تخصصی.

- تقویت گردشگری فرهنگی-مذهبی از طریق تسهیل روادید و ایجاد زیرساخت‌های لازم.

در نهایت، تداوم و تعمیق دیپلماسی فرهنگی در آسیای مرکزی نه تنها عاملی برای تحکیم روابط فرهنگی، بلکه بستر ساز توسعه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در چارچوب منافع ملی و تحقق اهداف کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

منابع

- آقاجانی، معصومه؛ فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۴). گردشگری مذهبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی ایران). *سیاست‌های راهبردی وکلان*، ۳(۹).
- آلادپوش علی؛ توتونچیان، علیرضا (۱۳۷۲). *دیپلمات و دیپلماسی*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- اشرفی، مرتضی (۱۳۹۵). *سفر به سرزمین ناداری و شادی (جمهوری تاجیکستان)*. قم: اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه اهل بیت (ع).
- اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۹۲). *راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴. مطالعات راهبردی*، ۱۶(۶۰).
- انوشه، ابراهیم؛ رحمتی، ابراهیم؛ باقری‌زاده، علی (۱۴۰۱). نقش دیپلماسی فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، شماره ۲۳.
- بهرامی، محمد و کریمی، فرزانه (۱۴۰۲). نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران. *روابط بین‌الملل فرهنگی ایران*، ۵(۲).
- بهمن، شعیب (۱۳۹۳). *ژئوپلیتیک تشیع در آسیای مرکزی*. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- پاک‌آیین، محسن (۱۳۹۷). *گفتگو با دیپلمات ارشد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران*. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص).
- پوراحمدی مبینی، حسین؛ بهرامی، عارف (۱۳۹۷). همکاری‌های نوین منطقه‌ای آسیای مرکزی و چشم‌انداز آینده آن. *سیاست*، ۴۸(۳).
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۱). *نمایندگان ائمه (ع) در ایران (از عصر امام صادق (ع) تا پایان غیبت صغری)*. تاریخ درآینه پژوهش، پیش شماره ۱.
- جعفری، علی اکبر؛ براریان، محمد (۱۳۹۸). جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز. *پژوهش ملل*، شماره ۴۰.
- جعفری، علی اکبر؛ ملکی، ماری؛ شفقت‌نیاآباد، جواد (۱۴۰۳). دیپلماسی فرهنگی قدرت‌های رقیب ایران در آسیای مرکزی و چالش‌های پیش‌رو. *روابط خارجی*، شماره ۶۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ شمس دولت‌آبادی، محمود؛ افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). *علاقه ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو. ژئوپلیتیک*، ۳(۹).
- حسینی مرام، علی (۱۳۹۷). *گفتگو با کاردار سابق جمهوری اسلامی ایران در جمهوری تاجیکستان*. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص).
- خادم، امیرضا (۱۳۸۵). مدیریت راهبردی فرهنگ و چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. *مهندسی فرهنگی*، شماره ۶-۷.
- رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۵). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و چشمت‌ها*. تهران: واحد تهیه‌کننده دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی، معاونت توسعه و مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات موسسه فرهنگی - هنری پویه مهر اشراق.

- زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۴). *اسلام در آسیای مرکزی*. قم: زمزم هدایت.
- سلاورزی‌زاده، صالح؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۱). تحلیل کارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی؛ مطالعه موردی ترکمنستان و تاجیکستان. *نظریه‌پردازی راهبردی*، ۲۱(۲).
- شبابی، مهرشاد (۱۳۸۶). رویکرد همگرایی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی (مطالعه موردی همگرایی امنیتی - فرهنگی ایران و تاجیکستان). *سیاست دفاعی*، ۱۵(۶۰).
- کولایی، الهه؛ زنگنه، سمیه (۱۴۰۱). همگرایی فرهنگی و اجتماعی در اوراسیای مرکزی. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۴(۳).
- گزارش نماینده جامعه المصطفی (ص) در جمهوری تاجیکستان. پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۹۳.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۶). *سرزمین اسلام؛ شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین جهان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مقتدایی، مرتضی؛ ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *علوم سیاسی*، ۱۲(۳۴).
- موسوی، علی؛ احمدی، نغمه (۱۴۰۴). سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دیپلماسی نرم: فرصت‌ها و چالش‌ها. *مطالعات فرهنگی و اجتماعی*، ۹(۳).
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ کشاورز، سوسن (۱۳۸۵). *مبانی نظری مدیریت تحول فرهنگی در ایران*. قابل دسترس در: <http://www.farsnews.com>
- واعظی طیبه (۱۳۹۱/۷/۱۸). ویژگی‌های ژئوپلیتیک آسیای مرکزی کدام‌اند؟ برهان. قابل دسترس در: www.borhan.com
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. *روابط خارجی*، ۱(۳).
- Al-Khatib, A. & Hassan, M. (2024). Cultural diplomacy and the preservation of national identity. *Journal of Global Cultural Studies*, 16(2).
- Cooley, A. (2012). *Great Games, Local Rules: The New Great Power Contest in Central Asia*. Oxford University Press.
- Frank, A.G. (1992). The Centrality of Central Asia. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 12(1).
- Ghasemi, M. & Yarahmadi, M. (2022). Cultural diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran: Strategies and challenges. *Iranian Review of Foreign Policy*, 14(1).
- Hassan, R. & Patel, S. (2023). Cultural exchanges and mutual understanding: Pathways to peacebuilding. *International Journal of Cultural Relations*, 14(2).
- Hosseini, S. & Mohammadi, R. (2023). Cultural diplomacy and the promotion of Iranian-Islamic identity in Central Asia. *Journal of Regional Cultural Studies*, 7(2).
- Hunter, S.T. (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*. Praeger.
- Islamic Culture and Relations Organization (ICRO). (2024). *Cultural and academic outreach in Central Asia*. URL= <https://www.icro.ir>
- Karimi, A. (2023). Dialogue among civilizations and the role of Iran's cultural diplomacy. *Journal of Global Cultural Relations*, 9(3).

- Kazemi, H. (2022). Spiritual heritage and tourism diplomacy in the post-Soviet space. *Central Asia and the Caucasus Studies*, 7(2).
- Kim, S. & Park, J. (2023). Promoting cultural values through international cultural exchanges. *International Journal of Cultural Policy*, 29(4).
- Laruelle, M. (2015). *China's Grand Strategy in Central Asia: The Role of the Silk Road Economic Belt*. Washington DC: The Jamestown Foundation.
- Mbira, J. (2024). Cultural diplomacy and the shaping of global narratives. *Journal of International Cultural Relations*, 12(3).
- Nguyen, T.H. (2025). Cultural diplomacy and peacebuilding in times of geopolitical tension. *Journal of Peace and Cultural Studies*, 7(1).
- Rahmani, A. & Yousefi, B. (2023). Religious tourism and cultural diplomacy: Iran's strategy in Central Asia. *Journal of Islamic Cultural Relations*, 9(1).
- Ramezani, A. (2022). Iranian-Islamic identity as soft power: A conceptual framework. *Iranian Journal of Cultural Policy*, 11(1).
- Sadeghi, M. & Moradi, H. (2023). The role of the Islamic Revolution's values in Iran's cultural diplomacy. *Journal of Political and Cultural Thought*, 8(1).
- Shariati, M. & Maleki, A. (2022). Scientific-cultural cooperation between Iran and Central Asia in the framework of cultural diplomacy. *Journal of Regional Studies in Culture and Politics*, 10(2).
- Tavakol, R. & Yusupov, F. (2021). Iran's educational outreach in Central Asia: Soft power and cultural ties. *Eurasian Cultural Diplomacy Review*, 6(1).
- Yazdani, M. (2022). Islamic Republic of Iran's soft power: Exporting the discourse of resistance and justice. *Global Affairs and Cultural Influence*, 11(2).
- Zare, M. & Ghasemi, F. (2024). Cultural heritage and soft power: Opportunities for Iran's cultural diplomacy. *Journal of Cultural Policy Studies*, 9(3).